

مهر طبقاتی در ماجرای کاریکاتورها: توطئه چینی و بحران سازی

اتفاق ظاهرا عادی و معصومانه جلوه داده می‌شود: فرانک هوام معروفترین کم‌دین دانمارک در تلویزیون می‌گوید که جرات شاشیدن روی قرآن را ندارد. این بهانه‌ای می‌شود تا فلمینگ روز مسئول بخش هنری روزنامه دست راستی دانمارک (یولاندس پُستن) در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵ مقاله‌ای در این مورد نوشته و ۱۲ تصویر از محمد، پیامبر مسلمانان را به آن ضمیمه کند.

انتشار این کاریکاتورها مورد اعتراض مسلمانان ساکن دانمارک قرار می‌گیرد (۱۲ اکتبر ۲۰۰۵) و همان روز ۱۱ سفیر کشورهای اسلامی از فوگ راسموسن نخست وزیر دست راستی دانمارک تقاضای دیدار در مورد این کاریکاتورها می‌کنند. او در ۲۱ اکتبر اعلام می‌کند که چاپ مطبوعات در دانمارک آزاد است و از پذیرش سفیران خودداری می‌کند.

در ۱۸ نوامبر امامان مساجد دانمارک اعلام می‌کنند که به کشورهای مسلمان و از جمله مصر و عربستان سعودی سفر می‌کنند تا موضوع کاریکاتورها را در آن کشورها مطرح سازند. در ۲ دسامبر یک گروه افراطی مسلمان در پاکستان برای کشتن کاریکاتوریست مربوطه جایزه تعیین می‌کند. در ۲۰ دسامبر ۲۲ نفر از سفیران دانمارک، عدم موضع‌گیری نخست وزیر دانمارک را مورد نقد قرار می‌دهند.

در ۲۹ دسامبر اتحادیه عرب از دولت دانمارک انتقاد می‌کند که در برخورد انتقادی به عمل کرد روزنامه مذکور بی تفاوت مانده است.

در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۶ کاریکاتورها در روزنامه‌ای نروژی چاپ شده و سپس تعداد دیگری از روزنامه‌های دست راستی اروپا (در فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، هلند و غیره) تحت عنوان دفاع از آزادی مطبوعات و اعلام هم‌دردی با روزنامه دانمارکی، آن کاریکاتورها را چاپ کرده و با آوردن نقل قولی از ولتر دایر بر این که: "من حاضریم به خاطر دفاع از آزادی بیان دشمنم، کشته شوم"، مسئله را در حد "آزادی مطبوعات" بررسی می‌کنند.

در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۶ عربستان سعودی سفیر خود را از دانمارک فرا می‌خواند و تولیدات دانمارکی را در عربستان تحریم می‌کند.

بدین ترتیب آتش پخته شده و زمینه برای تظاهرات تا حد خشونت آمیز آن و به آتش کشیده شدن سفارتخانه‌های دانمارک و نروژ در کشورهای اسلامی، اشغال مقر اتحادیه اروپا در غزه (فلسطین) و کشته و زخمی شدن دهها نفر در افغانستان، پاکستان، لیبی و غیره فراهم می‌شود.

دولت‌های غربی حمله به مراکز دیپلماتیک را محکوم می‌کنند. اما این واقعه به بنیاد گرایان اسلامی فرصت استفاده از اوضاع را فراهم می‌کند و از جمله رئیس‌جمهور رژیم ولایت فقیه در ایران دستور بازبینی مناسبات اقتصادی با کشورهای آن که در روزنامه‌های آن‌ها کاریکاتورهای نامبرده چاپ شده بودند، را صادر می‌کند! در ابتدا خواست مسلمانان در مجموعه تظاهرات صورت گرفته شده عمدتاً عبارت بود از معذرت خواهی مدیرمسئول روزنامه مذکور و دولت دانمارک. اگر در اوایل کار چنین می‌شد، شاید بحران به وجود آورده شده ابعاد چنان گسترده‌ای نمی‌یافت. با توجیه بعدی مسئول بخش هنری روزنامه یولاندس پُستن دایر بر این که می‌خواست ببیند کاریکاتوریست‌ها تا چه حد خود را سانسور می‌کنند که به‌بازی گرفتن بی معنای احساسات و عواطف مردم مسلمان بود، روشن شد که زیر کاسه نیم کاسه‌ای هست:

(۱) - یولاندس پُستن روزنامه‌ای دست راستی، راسیست، خارجی ستیز و مدافع عملیات امپریالیستی در خاورمیانه است. این روزنامه در دهه‌های ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ با فاشیست‌های ایتالیایی و نازیست‌های آلمانی همکاری می‌کرد و کلیه‌ی روزنامه‌های اروپائی نیز که به چاپ کاریکاتورها اقدام کردند، ارتجاعی و خارجی ستیزند. پس توطئه مربوط به جناح راست ارتجاعی اروپا می‌باشد؛

(۲) - مسئول بخش هنری روزنامه دانمارکی، پس از شروع تظاهرات و تحریم علیه تولیدات دانمارک گفت که قرار بود ۴۰ کاریکاتوریست برای ارزیابی از درجه‌ی خودسانسوری، از محمد تصاویری تهیه کنند. این که چرا به قول معروف "در میان پیامبران "جرجیس" انتخاب شد" و کاریکاتورهای محمد ارائه گردید، نشان از پیش بردن سیاستی دارد که به دنبال حادثه آفرینی است.

دُم خروس آگاهانه بودن این کار زمانی روشن می شود که به تاریخ رجوع کنیم : در آوریل ۲۰۰۳، کاریکاتوریست دانمارکی کریستوفر زیلر یک سری کاریکاتور در مورد عروج عیسا به آسمان به روزنامه یولاندس پُستن فرستاد. این تصاویر به بهانه‌ی این که می توانستند رنجش خاطر خواننده‌گان روزنامه را فراهم کنند و چندان هم جالب نبودند، چاپ نشدند. ینس کایزر سردبیر روز یک شنبه این روزنامه نوشت : "من فکر می‌کنم که این تصاویر خواننده را به خشم خواهد آورد. لذا من آنها را مورد استفاده قرار نمی‌دهم." کاریکاتوریست فوق در جواب نوشت که آنها را به چند کشیش مسیحی نشان داده و آنها گفته‌اند کاریکاتورهای جالبی هستند. اما نامه او سردبیر را قانع نکرد و کاریکاتورها هم چاپ نشدند!

این امر نشان می‌دهد که عدم چاپ کاریکاتورها اتفاقی نبوده و عمدی در کار بوده است. باتوجه به مسایل فوق سه سناریوی عمده را می توان در نظر گرفت :

- ۱- هدف کاریکاتورها خدمت به ادامه‌ی خارجی ستیزی در دانمارک بوده است ؛
- ۲- هدف تشدید خارجی ستیزی و محدودکردن دموکراسی در کل اروپا بوده است ؛
- ۳- هدف تحریکات و توطئه چینی‌ها برای کشاندن اتحادیه اروپا روی خط تهاجمی صهیونیسم و نئوکنسرواتوهای متحد آنان در آمریکا بوده است .

امکان اولی چندان قابل دفاع نیست. زیرا بعد از صدماتی که از نظر اقتصادی و سیاسی به دانمارک وارد شد، دولت دانمارک می‌توانست زودتر دست به کار شده و با معذرت‌خواهی خشک و خالی جلو بدتر شدن اوضاع را بگیرد - آن‌طور که سفیرانش پیشنهاد داده بودند.

امکان دومی هم چندان محتمل نیست. جریانات راست افراطی در اتحادیه اروپا سالهاست در حال پیشروی هستند و پا به پای این پیشروی، محدودیتهای دموکراتیک شهروندان نیز افزایش می‌یابند. اما منافع اقتصادی اروپا در کشورهای اسلامی و مشخصا نفت خیز چنان زیاد است که به خاطر انتشار چند کاریکاتور در کشور کوچکی مثل دانمارک، حاضر نیستند منافع دراز مدتشان را به خطر بیندازند. کما این که مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا - خاویر سولانا - اعلام کرد که اتحادیه اروپا از نظر اخلاقی و معنوی به نظرات مسلمانان احترام گذاشته و خواستار مناسبات دوستانه با کشورهای اسلامی است. بنا براین تحریک از جانب جناحهای راست افراطی به آن دلیل صورت گرفته که مایل به هماهنگ شدن اروپا با سیاست تهاجمی کشورهای آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه هستند.

امکان سوم مربوط به موضع صهیونیستها و همکاران نئوکنسرواتو آنها در حاکمیت آمریکا می شود که تحت بهانه‌ی "هدف وسیله را توجیه می‌کند"، سالهاست توطئه چینی، دروغ و شایعه پراکنی، ترتیب عملیات تروریستی به نام دیگران و ... جزو تاکتیکهای روزمره شان شده و در خدمت عملیات تهاجمی شان قرار دارد.

باتوجه به این که در رسانه های غربی اعم از مطبوعات، رادیو، تلویزیون و انتشارات، محافل مالی بزرگ سرمایه صهیونیستها نفوذ فراوانی دارند، لذا دست داشتن آنها در واقعه کاریکاتورها از احتمالات قوی می‌باشد.

بدین ترتیب روی داد مربوط به تصاویر محمد، عمل منفرد یک کاریکاتوریست نبوده ، بلکه تدارک دیده شده از جانب افراطی ترین جناحهای سرمایه است، جهت کشاندن افکار عمومی اروپائیان به سوی جبهه‌ی تهاجم نظامی در خاورمیانه به منظور تغییر دادن رژیمهای مزاحم و تبدیل کشورهای منطقه به مستعمرات پُست مدرن امپریالیسم فراملی‌ها.

فراموش نکنیم که هم اکنون صهیونیستها و نئو کنسرواتوهای حاکم بر آمریکا در تلاش برای تغییر رژیم ولایت فقیه در ایران و روی کار آوردن دولت دست نشانده‌ی خود در آن، به بهانه‌ی این که رژیم اسلامی ایران در صدد تهیه‌ی بمب اتمی است، تا به حال موفق شده است که دولتهای اتحادیه اروپا را به خط خود نزدیک کند. مسئله کاریکاتورها نیز در خدمت به امر نزدیکی کشورهای امپریالیستی در اتخاذ سیاست واحد تهاجمی در خاورمیانه و مشخصا در قبال رژیم ایران، قرار دارد. مگر نه این است که سالهاست "جنگ تمدنها" را تئورسین نئوکانها جناب پروفیسور هانتینگتون تدوین کرده تا پیاده شود؟! و چه جای مناسبی بهتر از خاورمیانه که مهد عروج ادیان و تاحدی تمدنهاست!

رویداد کاریکاتورها بار دیگر نشان می‌دهد که هیچ مسئله‌ی اجتماعی را نمی‌توان یافت که مُهر طبقاتی بر پیشانی نداشته باشد و سخن گفتن از "آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، بیان و قلم و غیره در جوامع طبقاتی، خود فریبی یا مردم فریبی است. آزادیها تنها در چارچوب نظام طبقاتی حاکم معنا و گسترده‌گی یا محدودیتهای خود را می‌یابند - کافی است نگاه کنیم که آزادی بی قید و شرط سرمایه در

جستجوی سود و ارزش اضافی بیشتر در جهان سرمایه داری، اکنون با حدت و شدت هرچه تمامتر وجود دارد، ولی محدودیتها به حدی است که حتا جلو جابهجائی نیروی کار و آزادی فروش آن در بازار بی رحم سرمایه هم گرفته می شود و بیکار سازی مشکل بزرگی برای اردوی کار شده است.

در همین ارتباط دیدیم که یولاندس پُستن تصاویر مسیح را چاپ نمی کند اما به چاپ تصاویر محمد اقدام می نماید و بدین ترتیب دست به تمایزگذاری در رابطه با احساسات خواننده گانش می زند و به سانسور آزادی قلم در یک جا و تشویق آزادی قلم در جای دیگر می پردازد.

در شرایطی که پنتاگون نقشه ی فرستادن موشکهای اتمی و غیر اتمی روی ایران را به بوش ارائه داده است؛ در زمانی که به دستور بوش کوندولیزا رایس از کنگره آمریکا درخواست بودجه بیشتر برای خریدن مزدوران ایرانی می کند که یادآور پرداخت ۱۹ میلیون دلار به سرلشکرزاهدی و اعوان انصارش جهت انجام کوندتای ۲۸ مرداد، می باشد (صرفنظر از این که دولت کنونی حاکم بر ایران، همترادولت ملی آن زمان نیست)، آیا باز هم می توان روی این واقعیت قلم قرمز کشید که کاریکاتورها با هدف خدمت به سیاست طبقه ارتجاعی حاکم در کشورهای غربی و صهیونیستها بوده است و مقوله ای مربوط به آزادی چاپ و مطبوعات نمی باشد؟!!

به طور خلاصه می توان این توطئه چینی را چنین بیان داشت :

- عمل : آوردن کاریکاتورها برای تقویت جناح راست افراطی در اروپا و کشاندن آن به پیروی از سیاست تهاجمی آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه؛

- عکس العمل : فرصت یافتن دولتهای مرتجع اسلامی برای کشاندن مردم به سوی خود در لفافه دفاع از اسلام ؛

- نتیجه : رشد ارتجاع در غرب و کشورهای اسلامی و از جمله سرکوب جنبش کارگری، انجام اعدام زندانیان سیاسی، تشدید خفقان و غیره در ایران.

باز هم به نام آزادی، خنجری دیگر به قلب آزادی فرورده شد تا از خودبیگانگی انسانها تداوم یابد.

بهمن ۱۳۸۴ - ابراهیم

* * *

در زیر ترجمه نوشته ای را در این رابطه می آوریم. گرچه با تمامی نظرات مطرح شده در آن موافق نیستیم اما چون حاوی اطلاعات جالبی است به اطلاع خواننده گان گرامی رنجبر می رسانیم (هیئت تحریریه).

رسانه های اروپائی کاریکاتورهای ضداسلامی انتشار می دهند:

یک تحریک زشت حساب شده

(برگرفته از سایت جهان سوسیالیستی)

۴ فوریه ۲۰۰۶ : سایت جهان سوسیالیستی انتشار کاریکاتورهای افتراآمیز توسط روزنامه های اروپائی که محمد را به مثابه یک تروریست و یک قاتل معرفی می کند، را محکوم می نماید. این کاریکاتورهای زشت به قصد توهین و برانگیختن حساسیت مسلمانان بوده و یک تحریک سیاسی است. انتشار آنها مقدماتی توسط روزنامه دست راستی دانمارکی که با فاشیسم آلمان و ایتالیا رابطه ای تاریخی دارد، به طور حساب شده و برای ایجاد روحیه ضد مسلمانان و ضد مهاجرین، صورت گرفت.

تصمیم حکومت دست راستی دانمارک در دفاع از این روزنامه به خاطر انتشار کاریکاتورهای محمد که سپس در نروژ، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، هلند، سوئیس، ایسلند و مجارستان که هم محافظه کارند و هم لیبرال نیز تجدید چاپ شد، هیچ ربطی به آزادی مطبوعات و دفاع از سکولاریسم ندارد. چنین ادعائی مسخره کردن اصول دموکراتیک است.

انتشار چنین کثافتتهائی در رابطه است با تغییر موضع نخبه گان اروپا و قرار گرفتن بیشتر درکنار مداخله ی نئوکلنیالیستی امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی، که اتفاقی نبوده بلکه در مرکز سلاخی در جریان در عراق، تهدید جدید علیه توده های فلسطینی و آماده گی برای تحریم و حمله نظامی به ایران، قرار دارند.

به علاوه، این امر ادامه ی تشدید عمده ی سیاست اروپا، تحت بهانه ی حق سیاسی، بوده و توسط احزاب به اصطلاح چپ دامن زده شده تا مردم مسلمان در حال بیداری را شیطان جلوه داده، آنها را منفرد ساخته و در افزایش فقر اجتماعی که دامنگیر بخشهای مهمی از طبقه ی کارگر شده است، آنها را مقصر معرفی نمایند.

بعنام مبارزه با تروریسم، حکومتها در اروپا تصمیمات سرکوب‌گرانه‌ای اتخاذ می‌کنند که در درجه‌ی اول مردم مسلمان و دیگر پناهنده‌گان را شامل می‌شود. درحالی که زمینه را برای از میان برداشتن حقوق دموکراتیک طبقه‌ی کارگر درکلیت آن، آماده می‌سازند. این آماده سازی که در خدمت دولتهای دست در دست پلیس است، به قصد حمله به کار، مزد و سطح زنده‌گی مردم زحمت‌کش، پیش برده می‌شود تا تمرکز بیشتر ثروت در صندوقها برای اقلیت صاحب امتیاز، فراهم‌شود.

نباید از اسلام یا دین دیگر دفاع کرد یا رنجش مسلمانان جهان و ناراحتی‌های‌شان را ... که توسط رسانه‌های غربی تحت عنوان ارزشهای سکولاریستی علیه گروههای تاریک اندیش و لذا مترقی، مطرح می‌شوند، تایید کرد.

روزجمعه اعتراضات علیه انتشار کاریکاتورها سراسر خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیا را دربرگرفت. هزاران تظاهرکننده در عراق، دهها هزار نفر در کرانه‌های غربی و منطقه غزه، ۵۰ هزار نفر در خرطوم پایتخت سودان، مسلمانان در انگلستان و ترکیه دست به اعتراض زدند.

حوادثی که به این مقابله‌گری منجر شد به روشنی نشان می‌دهند که انتشار این تصاویر تحریکی سیاسی بود. روزنامه یولاندس پُستن که ۱۲ کاریکاتور از محمد را در ۳۰ سپتامبر ارائه داد، مدافع حکومت دست راستی دانمارک به نخست وزیری آندرش فوگ راسموسن است. حکومتی که با حزب ضد پناهنده پذیری و ضد اسلامی همکاری می‌کند.

یولاندس پُستن در دهه‌های ۱۹۲۰، ۱۹۳۰ به‌خاطر نزدیکی با فاشیسم ایتالیا و دیکتاتوری نازیستی آلمان مورد نفرت بود. در سال ۱۹۳۳ به دفاع از اعمال دیکتاتوری در دانمارک پرداخت.

آخر سپتامبر این روزنامه از ۴۰ کاریکاتور است تا تصاویری از محمد ارائه دهند، چیزی که در قوانین اسلامی کفر تلقی می‌شود. سردبیر با چنین قصد تحریک کننده و فتنه انگیز مدعی شد که هدفش عبارت بود از "بررسی این که آیا مردم به خودسانسوری گردن می‌گذارند، همان‌طور که ما در موقعیتهای دیگری در مورد مسائل اسلامی دیده‌ایم".

روزنامه ۱۲ تصویر را انتشار داد. ...

در ماه اکتبر نخست وزیر راسموسن حاضر به ملاقات با سفیران ۱۱ کشور مهم اسلامی نشد که درخواست دیدار با وی را کرده بودند تا انتقاداتشان را در مورد کاریکاتورها به او بگویند. راسموسن با تاکید گفت که به دلیل آزادی مطبوعات، این تصاویر قانونی هستند و لذا جای بحثی موجود نیست.

ناسزاگویی عمدی گام دیگر برداشت زمانی که مجله نورژی این تصاویر را در ژانویه چاپ کرد. دولت دانمارک اعتراضات مسلمانان دانمارکی و دیگر مسلمانان را نادیده گرفت تا این که در اواخر ژانویه دولت عربستان سعودی سفیرش را از دانمارک فراخواند و تحریم کالاهای دانمارکی را اعلام داشت.

تنها زمانی که تحریمها دامن شرکت غذایی آرا را، که دومین تولیدکننده‌ی بزرگ مواد لبنیاتی در اروپاست، گرفتند و این شرکت اعلام کرد که فروشش در خاورمیانه کاملاً قطع شده‌است، حکومت دانمارک و روزنامه یولاندس پُستن ضمن دفاع از انتشار تصاویر مزبور، اعلام تاسف کردند.

هفته‌ی اخیرستیزه جوئی گرم شده و غلیان پیدا کرد، زمانی که روزنامه فرانسوی فرانس سوار این تصاویر را انتشار داد. در دفاع از این کار در سه مقاله روز پنجشنبه آمد که: "سرزنش متعصبین ارتجاعی، کافی است".

روزنامه های دیگر فرانسه و از جمله لیبراسیون برخی از تصاویر زشت را انتشار داد. لوموند به نوبه خود طرح فردی را که احتمالاً محمد بود کشید و زیر آن نوشت: "من نباید تصویر محمد را بکشم".

روزنامه های آلمانی دی‌ولت، دی‌تاگس زایتونگ، تاگس اشپیگل و برلینر زایتونگ؛ روزنامه های هلندی فولکس رانت، ان.آر.سی، هاندلس بلاد و السهویر؛ روزنامه‌های ایتالیایی لاستامپا و کورریرردلاسرا؛ روزنامه اسپانیایی ال پرودیو و دو روزنامه هلندی زبان بلژیکی در میان مجموعه نشردهنده‌گان این تصاویر در چند روز اخیر بودند.

در انگلستان بی بی سی، آی. تی.وی. و کانال ۴ این تصاویر را از طریق تلویزیون نشان دادند.

یک نمونه از نیروهای سیاسی مدافع این کاریکاتورهای فاشیستی، تصمیم گرت ویلدرس عضو پارلمان هلند بود که پیشنهاد داد قانونی تصویب شود که برتن کردن برقع ممنوع شود و کاریکاتورهای وب سایت خودش را " به عنوان علامت حمایت از کاریکاتوریست دانمارکی و دفاع از آزادی بیان" به آن روزنامه تقدیم نمود.

در بین سیاستمداران و اعضای رسمی حکومتها که به دفاع از حکومت دانمارک و رسانه‌هایی که تصاویر را انتشار داده بودند، وزیر کشور فرانسه نیکولا سارکوزی نیز قرارداد داشت. فردی که مظهر بدگمانی است و در سال گذشته با به‌کاربردن کلمات "پس‌مانده" و "فاسد" نسبت به ساکنین حومه شهرهای فرانسه، باعث شورش ضد پلیس شد که اساساً مسلمانان پناهنده در آنها زنده‌گی می‌کردند. او با این کار حمله دیگری را علیه مسلمانان انجام داد.

تلاشی بی‌معنا در انجام روش دموکراتیک، به شیوه‌ای ضددموکراتیک! چنین است عمل‌کرد سارکوزی، کسی که مبتکر ایجاد حالت فوق‌العاده شده و جلو آزادیهای مدنی فرانسه را گرفت. دولت فرانسه ی سارکوزی و رئیس‌جمهور ژاک شیراک، شرایط را برای حمله‌ی شدید به مسلمانان را فراهم ساخت - البته با حمایت احزاب سوسیالیست و کمونیست فرانسه و "اولترا چپ" مبارزه کارگری - غدغن کردن روسری دختران مسلمان در مدارس دولتی، این حمله‌ی آشکار به آزادی مذهب به‌طورعام و حق مسلمانان به‌طورخاص، در لاف‌های دفاع از ارزشهای سکولاریسم و "روشنگری" جمهوری فرانسه، صورت گرفتند.

محتوای واقعی این جنگ صلیبی به‌خاطر سکولاریسم و آزادی مطبوعات، اخراج وسیع مسلمانان فرانسه تحت قانون جدید سارکوزی، پس از شورش سال گذشته، بود. این قانون اخراج صلف و ساده‌ی تمام خارجیانی که متهم - و نه مجرم - به انجام جرمی باشند را شامل می‌شود. صدها جوان توسط پلیس ضدشورش سارکوزی در جریان آن حادثه دستگیر و اکنون در تهدید اخراج از کشور، قرار دارند. ائتلاف بزرگ جدید حکومتی به رهبری آنجلا مرکل نیز تصمیمات شدید در مورد بیرون کردن خارجیان از سرزمین آلمان را تدارک می‌بیند. منافع پشت سر این حملات ضد مسلمانان توسط دولت هلند در سیاست خارجی، فرستادن نیروی اضافی به افغانستان، جهت کمک به پلیس افغانستان می‌باشد که در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار دارد.

روزجمعه وزارت امور خارجه آمریکا مخالفت خود را با انتشار کاریکاتورها اعلام کرد. "این تصاویر از نظر مسلمانان تحقیرآمیزاند" و یا "ما تماماً به آزادی مطبوعات و بیان احترام می‌گذاریم. ولی این باید با مسئولیت‌پذیری مطبوعات همراه باشد. تحریک تنفر مذهبی و قومی به این گونه قابل قبول نیست." این موضع‌گیری کاملاً مزورانه است و توسط حکومتی بیان می‌شود که در آمریکا به مطبوعات پوزبند زده و در داخل آمریکا حملات وحشیانه‌ای علیه مسلمانان انجام می‌دهد. دولت بوش بعد از حادثه ۱۱ / ۹ / ۲۰۰۱ حمله به مسلمانان جهان را به بهانه‌ی "جنگ با تروریسم"، درپیش گرفت.

"احترام" و اشنگتون به اعتقاد مسلمانان، قبلاً در برابر چشم جهانیان آشکار شده است. سوء استفاده سادیستی از زندانیان ابوغریب، جایی که مسئولین نظامی و امنیتی تاکتیک‌هایی به کار گرفتند که مستقیماً ایمان و حساسیت مسلمانان را زیر ضربه قرار می‌داد، از آن جمله‌اند. جواب مقامات مسئول آمریکا به انتشار کاریکاتورها اساساً به دلیل اثر فوری‌اش روی عملیات امپریالیسم آمریکا در عراق و ایران و غیره است.

کسانی از انتشار تصاویر تحت عنوان طنز، دفاع می‌کنند - همانند فراخوانهای پست و فرومایه و حرکات متعصبانه‌تر - آن را با انتقاد سازنده اجتماعی و فرهنگی هم‌تراز قرار می‌دهند. در واقع تصاویری که بر مطبوعات و تلویزیونهای اروپائی نقش بستند، بسیار شبیه کاریکاتورهای ضد یهودیان هستند که توسط نازیها تحت عنوان طنز انتشار می‌یافتند. چنین تولیداتی هیچ ربطی با مبارزه برای سکولاریسم، در مخالفت با اعتقادات مذهبی نداشته و بی‌معنا هستند. انتقاد راستین از مذهب تنها توسط بالاترین سطح روشنفکری به کمک علم و عقل و نه نادانی و ترس آفرینی ممکن است.

حادثه‌ی کنونی خطر بزرگی را که در مقابل طبقه‌ی کارگر قرار داشته و از طریق استحاله‌ی دموکراسی در کشورهای سرمایه‌داری، نشان می‌دهد. تشویق شوونیسم ضداسلامی و انواع زهرهای کمونی یا ملی، بیان‌گر نظام اجتماعی‌ای هستند که در باتلاق بحرانی لاینحل فرو می‌رود و در برخورد به خواسته‌های پایه‌ای توده‌های وسیع مردم، ناتوان است.

تنها پادزهر در مقابل چنین سیاستهای ارتجاعی و عقب‌گرا، رشد دادن جنبش متحد طبقه‌ی کارگر تمام کشورها، مذاهب و ملت‌ها در مخالفت با جنگ و دفاع از حقوق دموکراتیک، در مقابله با نخبه‌گان حاکم سرمایه‌دار و نظامی است که آنها به‌وجود آورده‌اند. برنامه‌ای که تحت آن انترناسیونالیسم سوسیالیستی باید

بناشود. (www.wsws.org/atricles/2006)